

مطالعه رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در میان جوانان ۱۵-۲۹ سال ساکن شهرهای شیراز و یاسوج

حلیمه عنایت، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز*

مجید موحد، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

اله رحم حیدری، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

چکیده

هدف این مقاله، بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی (تعمیم یافته و نهادی) با احساس امنیت اجتماعی جوانان ۱۵-۲۹ ساله‌ی ساکن شهرهای شیراز و یاسوج است. مطالعه‌ی حاضر بر اساس تئوری گیدنز، و روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. نتایج آنالیز کوواریانس نشان داد احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان بیشتر تحت تأثیر اعتماد قرار دارد تا محل سکونت آنان. همچنین، اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و نهادی، هر دو، موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شوند؛ اما تأثیر اعتماد نهادی بر افزایش احساس امنیت سیاسی و قضایی چندین برابر تأثیر اعتماد تعمیم یافته است. نهایتاً این‌که میزان احساس امنیت عمومی و اقتصادی به همان اندازه‌ی اعتماد نهادی، تحت تأثیر اعتماد تعمیم یافته قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: اعتماد اجتماعی (تعمیم یافته / نهادی)، احساس امنیت اجتماعی، جوانان، شیراز، یاسوج

مقدمه

امنیت و احساس امنیت همیشه از نیازهای بنیادی بشر بوده‌اند. به تعبیر پکاوسی^۱، عصر پس از انقلاب فرانسه که آزادی بالاترین هدف انسان بود، به عصری تغییر یافته است که جستجوی امنیت جمعی مشخصه‌ی آن است (هلنی^۲، ۲۰۱۰). به رغم این قدمت و منزلت محوری و رفیع، "امنیت" همچنان مفهومی توسعه نیافته، مبهم، نارسا، ماهیتاً جدال برانگیز، و شخصیتاً متباین و متناقض است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۳۷). امنیت را می‌توان در ابعاد متفاوت سنتی / مدرن، سیاسی / اقتصادی - اجتماعی، ذاتی / روانی، فنی / اخلاقی، ذهنی / عینی؛ و در سطوح متفاوت خرد، میانه و کلان تعریف و بررسی کرد (هامالینن^۳، ۲۰۰۴/۲۰۰۵). همچنین، رهیافت‌ها و دیدگاه‌های نظری و معرفت‌شناختی مختلفی برای بررسی امنیت وجود دارد که هر کدام، بر عوامل و ابعاد خاصی تأکید دارند که موجب ایجاد امنیت یا ناامنی می‌شوند (تایلور - گو‌بای و زین^۴، ۲۰۰۶). در جامعه‌شناسی و از منظر جامعه‌شناسی امنیت، امنیت به چگونگی رابطه‌ی یک فرد با جامعه مرتبط است. جامعه‌شناسی امنیت عبارت است از: "شناخت وضعیت رهایی از دغدغه و تعقیب ایمنی در پرتو مناسبات و تعاملات جاری بین نهادها و افراد." در اینجا دو سطح به هم مرتبط در بررسی امنیت مهم و اساسی هستند: جامعه و فرد (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

جامعه‌شناسان مدت‌ها در پرتو "مسأله‌ی نظم"^۵، مفهوم امنیت مردم را تحلیل کرده‌اند (کیلبرن^۶، ۱۹۹۶).

۳). اما از دهه‌ی ۱۹۶۰ تغییراتی اساسی در شرایط اجتماعی زندگی بشر عموماً؛ و نظم اجتماعی زندگی، خصوصاً رخ داده است. اندیشمندان اصطلاح‌های متنوعی را برای توصیف این تغییرات به کار برده‌اند: عصر بی‌اطمینانی (گالبرایت، ۱۹۹۷)؛ عصر اضطراب (باومر، ۱۳۸۵)؛ جامعه‌ی مخاطره‌ای (بک، ۲۰۰۷)؛ وضعیت پست مدرن (لیوتار، ۱۳۸۱)؛ و فرهنگ مخاطره‌ای (گیدنز و پیرسون، ۱۳۸۰). این اصطلاح‌های متفاوت همه به "شرایط عدم اطمینان" دوران اخیر زندگی انسان اشاره دارند (آلتاچ^۷، ۲۰۰۵). یکی از مهمترین پیامدهای این شرایط بی‌اطمینانی، ناامنی و احساس ناامنی است؛ زیرا در بهترین حالت احساس امنیت، انعکاسی از تجربه‌ی فرد از جامعه است (ورنانن و دیگران^۸، ۲۰۰۹). به عبارتی، در شرایط مدرنیته که تعداد هر چه بیشتری از آدم‌ها در وضعیتی به سر می‌برند که نهادهای از جاکنده شده‌ای عملکردهای محلی را به روابط اجتماعی جهانی مرتبط ساخته، جنبه‌های عمده‌ی زندگی روزانه را سامان می‌بخشند؛ همچنین، بیشترین تعاملات ما با افراد غریبه و افرادی است که فعالیت‌هایشان در معرض دید ما قرار ندارند؛ و نهادهای سنتی فراهم‌کننده‌ی اعتماد و امنیت مانند خویشاوندی، محله و دین تضعیف شده، اضطراب و ناامنی افزایش می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۸).

در شرایط پدید آمده، احساس امنیت حتی مهمتر از امنیت است، زیرا کنشگران در انجام کنش با مراجعه به ذهنیت روان‌شناختی و تاریخی خود به تصمیم‌گیری و انجام کنش می‌پردازند، لذا ارزیابی و احساس آنها از فضای کنش، نقش بستری و زمینه‌ساز

⁷ Althaus

⁸ Vornanenn etal

¹ Pekka Kuusi

² Helne

³ Hamalainen

⁴ Taylor- Gooby & Zinn

⁵ The Problem of order

⁶ Kilburn

عباس‌زاده، ۱۳۸۳؛ منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸؛ معیدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸)؛ و در تحقیقات دیگری، برعکس، اعتماد به عنوان متغیر مستقل و احساس امنیت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته مطرح شده است (گروسی و دیگران، ۱۳۸۶؛ احمدی و دیگران، ۱۳۸۶؛ بیات، ۱۳۸۸). از منظر جامعه‌شناسی، حفظ و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد) به مثابه علت یا متغیر مستقل، موجب تأسیس امنیت اجتماعی به عنوان معلول یا متغیر وابسته می‌شود، زیرا سرمایه‌ی اجتماعی به مثابه قواعد و راهنمای عمل در متن‌ها و موقعیت‌های مختلف اجتماعی به صورت یک علت، به بروز رفتارهایی خاص مطابق با متن‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف می‌انجامد (تقی‌لو، ۱۳۸۵: ۲۴۸). به عبارتی، هرچه ما به افراد، یا به ادارات دولتی و نهادهایی که مسؤول ما در برابر مخاطرات هستند، یا به مردمی که اطلاعات مخاطره‌ای را به ما منتقل می‌کنند، اطمینان بیشتری داشته باشیم، ترسی که ما احساس می‌کنیم، کمتر خواهد بود. بر عکس، هر چه ما اعتماد کمتری به آنها داشته باشیم، سطح نگرانی ما بیشتر خواهد بود.

بنابراین، با توجه به قبول مفروضات تقدم علی اعتماد بر احساس امنیت اجتماعی، و کم بودن میزان هردوی اعتماد و احساس امنیت اجتماعی در جامعه؛ و اینکه اکثر مقالات یا تنها به یک بعد احساس امنیت پرداخته و آن را به عنوان مفهومی چند بعدی مورد بررسی قرار نداده و یا آن را تنها در مکان واحدی بررسی کرده‌اند؛ این مقاله در صدد بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی با ابعاد چهارگانه‌ی احساس امنیت اجتماعی جوانان شهرهای شیراز و یاسوج است.

در تصمیم‌گیری ایفا می‌کند؛ چرا که رابطه‌ی بین ساختارهای عینی (امنیت) و صورت‌های ذهنی (احساس امنیت) مبنای تصمیم‌گیری افراد است (بیات، ۱۳۸۸: ۱۷). در نتیجه، تغییرات اساسی در زمینه‌ی اجتماعی اعتماد، یکی از مهمترین عوامل بنیادی ایجاد امنیت و احساس امنیت اجتماعی محسوب می‌شود (لومان، ۱۹۷۶؛ گیدنز، ۱۳۷۸، ۱۳۸۰؛ زتومکا، ۱۳۸۶). به تعبیری، هر چند اعتماد عنصر اساسی همه‌ی روابط انسانی است، اما در وضعیت‌های مخاطره‌ای است که اعتماد به مثابه یکی از ارکان‌های بنیادی جامعه‌شناسی امنیت مطرح می‌شود (داس^۱ و تنگ، ۲۰۰۴؛ نصیری، ۱۳۸۱).

اعتماد و احساس امنیت هر دو به عنوان ارتزاق‌های همگانی^۲ غیرمادی زندگی جمعی، موجب آرامش و آسایش افراد می‌شوند و حتی، محافظت از ارتزاق‌های جمعی مادی (مانند هوا یا آب) هم بر این منابع غیر مادی متکی اند (باتسن^۳، ۱۹۹۸). علی‌رغم اهمیت سرمایه‌های اجتماعی فوق‌الذکر، تحقیقات انجام شده‌ی داخلی، بیانگر کاهش هر دوی میزان اعتماد اجتماعی (چلبی، ۱۳۸۱؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸؛ آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۲؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۳؛ شارع‌پور، ۱۳۸۰)؛ و احساس امنیت اجتماعی (ربانی خوراسگانی و قاسمی، ۱۳۸۱؛ علیخواه و نجیبی ربیعی، ۱۳۸۴؛ کرامتی، ۱۳۷۸) در ایران هستند، اما در خصوص تقدم و تأخر علی- معلولی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد) با امنیت اجتماعی در هردو سطح دیدگاه‌های نظری و تحقیقات تجربی ابهام وجود دارد. در تحقیقاتی، احساس امنیت به عنوان متغیر مستقل و اعتماد به عنوان متغیر وابسته (امیر کافی، ۱۳۸۰؛

¹ Das & Teng

² Commons

³ Bateson

ادبیات تحقیق

تقی‌لو (۱۳۸۵)، بر اساس یافته‌های مطالعه‌ی خود، "بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با امنیت اجتماعی" می‌گوید اهمیت ارتباط میان سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی، بویژه زمانی است که شرایط جامعه‌ی در حال گذار را در نظر بگیریم. شرایط گذار جامعه‌ی ملازم با تزلزل ارزش‌ها و هنجارهای جا افتاده است که تبعات آن بر روی فرد و کلیت جامعه‌ی مشهود است. تزلزل ارزش‌ها و هنجارها، تأثیر مستقیمی بر وقوع ناهنجاری‌ها، آسیب‌ها، انحرافات، جرایم و خودکشی به مثابه‌ی مظاهر مختلف ناامنی اجتماعی دارد؛ بدین معنی که افول سرمایه‌ی اجتماعی در این جامعه بر گسترش میزان ناامنی اجتماعی می‌افزاید.

تحقیق احمدی و دیگران (۱۳۸۶)، با روش پیمایشی، درباره‌ی "بررسی رابطه‌ی بین مشارکت مردمی و احساس امنیت اجتماعی" در شهر اسلام آباد غرب نشان می‌دهد که متغیر اعتماد اجتماعی با تبیین ۵۵ درصد از واریانس متغیر وابسته، بیشترین تأثیر را بر میزان احساس امنیت اجتماعی دارد.

هزار جریبی و دیگران (۱۳۸۶)، از طریق تحلیل ثانویه به "بررسی ابعاد جامعه‌شناختی احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن" پرداختند. بر اساس یافته‌های آنها، اعتماد اجتماعی علاوه بر تأثیر مستقیم، تأثیرات غیرمستقیمی نیز به واسطه‌ی رضایتمندی و مشارکت اجتماعی بر امنیت اجتماعی داشت. بعلاوه، تأثیر منفی میزان احساس بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی نیز از طریق اعتماد اجتماعی بوده است.

گروسی و دیگران (۱۳۸۶)، درباره‌ی "رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و احساس امنیت" تحقیقی به روش

کمی در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت انجام دادند. اعتماد اجتماعی در این تحقیق در سه سطح «اعتماد بنیادین»، «اعتماد بین شخصی» و «اعتماد تعمیم یافته»، محاسبه شد. در بین متغیرهای مستقل تحقیق، متغیرهای اعتماد بین شخصی، قومیت و درآمد خانواده با میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ی معناداری داشتند.

مطالعه‌ی شا^۱ (۲۰۰۵)، با روش آزمایشی - تطبیقی، درباره‌ی "تأثیر اعتماد بر خرید اینترنتی" دانشجویان دانشگاه میدوسترن^۲ نشان داد که با افزایش میزان آشنایی خریداران شبکه با فروشنده‌ی شبکه، تصور مشارکت کنندگان از توانایی، راست‌گویی و خیرخواهی فروشنده عمیق‌تر می‌شد. اعتماد شناختی بالاترین تأثیر را بر نیت رفتاری خریداران داشت. در جاهایی که خریداران هیچ گونه آشنایی با فروشندگان نداشتند، تأثیر هر دوی اعتماد احساسی و مخاطره‌ی احساس شده دوچندان بود. همچنین، هر دو نوع اعتماد شناختی و اعتماد احساسی، نقش بسیار مهمتری از مخاطره‌ی احساسی یا مخاطره‌ی شناختی در شکل دادن انتخاب‌های کنش‌های مشتریان داشتند و کیفیت رابطه‌ی فروشنده - مشتری بر احساس‌های پیوند عاطفی یا احساس نگرانی، ترس یا وحشت مشتریان تأثیر اساسی داشت.

جکسون^۳ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ی "امنیت اجتماعی و پایبندی به قواعد غیر رسمی"، می‌گوید، ارزیابی‌ها از آسیب‌پذیری و تصور مخاطره‌ای به وضوح در چگونگی فهم مردم از محیط فیزیکی و اجتماعی‌شان قرار دارد. تصورات از انسجام اجتماعی، اعتماد و

¹ Sha

² Midwestern

³ Jackson

نهادهای، هیچ کنترلی بر آنها نداریم (گیدنز، ۱۳۸۰).
 ذوکر^۴ می‌گوید، جمعیت ناهمگون تر آمریکا که توسط
 الگوهای تحرک و مهاجرت در اواخر قرن نوزدهم
 اتفاق افتاد، روابط اعتمادی بین شخصی مشخصی
 دوران گذشته را تغییر داد. با گذشت زمان، اعتماد از
 یک اطمینان عادی به علم و تکنولوژی، به اعتمادی
 تبدیل می‌شود که از سوی افراد بازاندیش و مستقل به
 حکومت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های مدرن اعطا می‌شود
 (لانگ و هالمان^۵، ۲۰۰۵). اعتماد را می‌توان در
 شعاع‌های اعتماد^۶ که به تدریج از عینی‌ترین روابط
 بین شخصی به سمت روابط انتزاعی‌تر معطوف به
 موضوع‌های اجتماعی بسط می‌یابند، بررسی کرد.
 محدودترین شعاع‌ها مربوط به اعتماد میان اعضای
 خانواده می‌شود و گسترده‌ترین دایره، شامل دسته‌های
 بزرگی از مردم می‌شوند که به اصطلاح "دیگران
 غایب" هستند. حالت انتزاعی‌تر اعتماد، معطوف به
 نهادها و سازمان‌هاست. مدرسه، دانشگاه، و ... نوعاً
 موضوع‌هایی از این نوع اعتماد هستند (زومکا،
 ۱۳۸۶: ۸۰-۸۲). در همه‌ی سطوح، هسته‌ی اصلی
 روابط اعتمادی، "انتظار" است. نخست، این انتظار
 است که کنشگران یا نهادها نقش خود را به‌روشی
 صحیح انجام خواهند داد؛ دوم اینکه، کنشگران یا
 نهادها "مسئولیت اخلاقی"^۶ خود را انجام خواهند داد،
 به عبارتی، نگران منافع دیگران هستند تا منافع متعلق
 به خودشان (لانگ و هالمان، ۲۰۰۵).

گیدنز (۱۳۸۰: ۴۱۹) بین چهار نوع اعتماد بنیادین،
 اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی
 تمایز قایل می‌شود. از این چهار نوع اعتماد نوع اول،
 بیشتر روان‌شناختی است. از سه نوع دیگر نیز، اعتماد

کنترل اجتماعی غیر رسمی و تفسیرها از ارزش‌ها،
 هنجارها و اخلاقیات مردم تشکیل‌دهنده‌ی اجتماع،
 درست به همان اندازه‌ی تفاسیر مربوط به "پنجره‌های شکسته"^۱ و عدم مدنیت^۲، در شکل دادن
 تصور مخاطره‌ای اهمیت دارند، زیرا آنها سبب نقض
 اعتمادی می‌شوند که انتظارات منفی را پنهان نگه
 می‌دارند و به احساس ناامنی می‌انجامند.

یافته‌های تحقیق صفری شالی (۲۰۰۷)، در مورد "رضایت از زندگی و عوامل تأثیرگذار بر آن"، که با
 روش کمی در بین شهروندان ۲۰ سال به بالای شهر
 تهران انجام شد، نشان می‌دهد که، "اعتماد به کارآیی
 نمایندگان و اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر امنیت
 اجتماعی پاسخ‌گویان داشتند."

پژوهش کینگ^۳ (۲۰۰۹) در مورد "تفاوت‌های
 معلمان در عکس‌العمل به خشونت مدرسه‌ای و نیت
 ترک حرفه‌ی معلمی با توجه به ویژگی‌های مدرسه"،
 در بین معلمان مناطق تحصیلی ایالات متحده نشان داد
 که، دو خرده مقیاس ایمنی و اعتماد روابط منفی
 معناداری با نیت ترک کردن حرفه‌ی تدریس داشتند.
 به عبارتی، زمانی که معلمان احساس ایمنی و اعتماد
 بیشتری دارند، احتمال کمتری وجود دارد که آنها
 حرفه‌ی معلمی را ترک کنند.

مفاهیم اصلی

اعتماد: اعتماد به عنوان پدیده‌ای منحصراً مدرن و
 اساساً همراه با مخاطره برای ظهور و سیطره‌ی
 سازمان‌ها و نهادها در زندگی روزانه بنیادی است، زیرا
 در بهترین حالت، آگاهی ما از این نهادها ابتدایی است
 و علی‌رغم وابستگی همه جانبه‌ی ما به عملکرد این

⁴ Zucker

⁵ Lang & Hallman

⁶ Fiduciary Responsibility

¹ Broken Windows

² Incivility

³ King

بین شخصی معمولاً در جوامع سنتی که الگوهای سنتی بر آنها حاکم است، به چشم می‌خورد (اعتماد سنتی). بنابراین، تنها انواع سوم و چهارم هستند که عموماً در جوامع مدرن به چشم می‌خورند. حتی می‌توان گفت، اعتماد نوع چهارم از همه مهمتر است، زیرا ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی، بویژه نظام‌های تخصصی وابسته است. نکته‌ی حائز اهمیت، این است که هیچ‌کسی نیست که بتواند از نظام‌های تخصصی دخیل در نهادهای مدرن دوری‌گزیند. او اعتماد را به عنوان اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص یا نظام، با توجه به یک رشته پیامدها یا رویدادهای معین، تعریف می‌کند. در این مقاله نیز تنها دو نوع از انواع اعتمادهای بالا بررسی شده‌اند: اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی.

امنیت و امنیت اجتماعی: امنیت از نظر لغوی به معنی "ایمنی، آرامش و آسودگی" (فرهنگ عمید، ۱۳۷۹: ۲۳۳) است. امنیت از نظر مفهومی، پیچیده، دال بر مصادیق متفاوت و گاه متضاد، و در زمینه‌های فرهنگی متفاوت دارای معانی مختلفی است (حاجیانی، ۱۳۸۴ و توماس، ۲۰۰۷). امنیت برحسب "نامانی در رابطه با اهداف و ابزارها" (دیویس، ۱۹۶۶)؛ "رهایی از نیاز (امنیت شغلی، درآمد، سلامتی، امنیت محیطی...)" و ترس (حاکمیت قانون) تعریف می‌شود (توماس، ۲۰۰۷: ۱۱۳)، اما امنیت اجتماعی^۱ به کیفیت رابطه‌ی بین جامعه و اعضایش اشاره دارد. اصطلاح "اجتماعی" بیانگر این است که امنیت اجتماعی توسط جامعه یا اجتماع به وجود می‌آید. نامانی‌هایی زیر عنوان "اجتماعی" قرار می‌گیرند که ناشی از مسائل اجتماعی هستند

(هامالاین^۲، ۲۰۰۴/۲۰۰۵: ۲). در کل، امنیت اجتماعی یعنی "عدم تهدید نسبت به حقوق افراد، اعم از حقوق فردی و اجتماعی، که خود این حقوق به حقوق طبیعی (حق حیات، خانواده، اشتغال، اقامت، مالکیت...)" وضعی (حقوق مدنی و سیاسی) و اجتماعی قابل تفکیک است. این تعریف هر دو بعد عینی (عدم تهدید حقوق مذکور) و ذهنی (این احساس افراد که حقوقشان مورد تعرض قرار نمی‌گیرد) امنیت اجتماعی را در بر می‌گیرد (افروغ، ۱۳۸۱). مفهوم امنیت بیشتر در برگیرنده‌ی احساس امنیت است تا کاهش عینی تهدیدات موجود در جامعه. لاقلاً آنچه رفتار و اعمال آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همان احساس امنیت یا احساس در امان بودن است (کلاهیجان، ۱۳۸۴: ۱۴۱). این احساس حالتی است که اغلب اعضای گروه و یا جامعه طی آن خود را مصون از هرگونه تهدید و یا در معرض خطر بودن احساس می‌کنند (عبدالرحمنی، ۱۳۸۷: ۱۵). در این مقاله، احساس امنیت اجتماعی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، عمومی و قضایی ارزیابی می‌شود.

چارچوب نظری

در دنیای جدید اعتماد را همچنان که نظریه‌پردازان سرمایه‌ی اجتماعی چون پاتنام، کلمن و لوری بیان کرده‌اند، باید عنصری در نظر گرفت که از یک سو هزینه‌های مادی، روانی، عاطفی و اجتماعی تعاملات بین فردی را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، نوعی اطمینان نسبت به آینده ایجاد می‌کند. بر این اساس، وجود اعتماد، امنیت وجودی را تقویت کرده، به دنبال آن احساس امنیت در افراد افزایش پیدا می‌کند

² Hamalainen

¹ Social Security

مولرینگ^۴ (۲۰۱۱) سه نوع ایده آل تایپ اعتمادی را از هم متمایز می‌کند: نوع اول اعتماد عقلانی^۵ است که به عنوان یک انتخاب عاقلانه بر قابلیت اعتماد بودن متصور از معتمد مبتنی است. در انتخاب عقلانی بحث "بازی اعتماد مطرح" است. بر اساس این تئوری اعتماد در حالتی به وجود می‌آید که احتمال قابل اعتماد بودن B از احتمال سوء استفاده کردن او از اعتماد قویتر باشد. در کل، اعتماد عقلانی فایده‌گرا است، بدین معنی که اعتماد توسط پاداش‌ها برانگیخته می‌شود. دومین نوع ایده‌آل، اعتماد نهادی^۶ است. اعتماد نهادی بر فرایندی تأکید دارد که به موجب آن کنشگران به طور اجتماعی بازی اعتماد را می‌سازند و حفظ می‌کنند. در این بینش، اعتماد مجموعه‌ای از انتظارات مطرح‌شده از سوی کنشگران درگیر یک مبادله است. این انتظارات هر دوی "قواعد اجتماعی گسترده" و "فرایندهای فعال مشروع" را شامل می‌شود. تحقق و حفظ انتظارات متقابل از سوی طرفین درگیر به اعتماد می‌انجامد. همچنین، بر اهمیت مقید کنندگی و توانایی بخشی قواعد (رسمی و نانوشته)، نقش‌ها و رهواره‌ها^۷ تأکید می‌شود؛ زیرا آنها کنشگران را ملزم و درعین حال توانا می‌کنند تا انتظاراتی را دارا باشند و به زندگی اجتماعی‌شان معنا می‌بخشند. به هر حال، درجه‌ی بالای نهادینه‌شدن موجب پایین آمدن میزان مخاطره‌ی متصور می‌شود. سوم، اعتماد فعال^۸ است که مستلزم یک شکل آزمایشی و بازاندیشانه‌تر از اعتماد است و بیانگر مجادلات اعتمادی است که ویژگی خاص روابط

(بیات، ۱۳۸۸: ۴۵). زیمل^۱ ادعا دارد، بدون اعتماد کلی که مردم نسبت به یکدیگر دارند، جامعه می‌بایست از هم می‌پاشید. او اعتماد را به عنوان یکی از مهمترین عناصر تصنعی^۲ در درون جامعه در نظر می‌گیرد، که در سطح بین شخصی و بویژه سطح نهادی اهمیت دارد. او اعتماد را واسطه‌ی نسبتاً خاص مبادله‌ی اجتماعی می‌داند (۱۹۵۰: ۳۴۸). اندیشمندان بر نقش اعتماد در جوامع مدرن تأکید کرده‌اند. به نظر تونکیس^۳، (۱۳۸۷) جوامع سنتی که حول قیودات خویشاوندی سازمان یافته بود، جوامعی برخوردار از سطوح بسیار بالایی از قابلیت پیش بینی و در نتیجه، سطوح بالایی از اطمینان مبتنی بر ترکیبی از آشنایی و مجازات‌ها بودند. بنابراین، این گفته که جوامع سنتی، جوامعی برخوردار از سطوح بالای اعتماد هستند، نوعی سوء تعبیر است. مدرنیته دقیقاً مخالف وضعیت فوق است. مدرنیته یعنی زندگی کردن بین غریبه‌ها، زندگی بین کسانی که آنها را نمی‌شناسید و آنها نیز شما را نمی‌شناسند، زندگی بین کسانی که اگرچه ناشناسند، ضرورتاً خطرناک نیستند. افراد در چنین جوامعی قادر به کسب آشنایی و شناخت نسبت به یکدیگر نیستند؛ اما در تعاملات فراوان با دیگران، بر اساس چیزی شبیه اعتماد وارد می‌شوند. در فقدان اعتماد، قاعدتاً ابهام و پیش‌بینی‌ناپذیری و تعیین‌ناپذیری امور، غیرقابل تحمل می‌شود. بنابراین، یکی از مسائل زندگی مدرن، دشواری فزاینده‌ی ایجاد بنیادهای آشنایی و شناخت و اطمینان به نقش اجتماعی و اجرای نقش از سوی دیگران است.

⁴ Mollering

⁵ Rational Trust

⁶ Institutional Trust

⁷ Routines

⁸ Active Trust

¹ Simmel

² Synthetic

³ Tonkiss

اجتماعی کم دوام و به سرعت متغیرِ مدرنیته‌ی متأخر است.

در اینجا کنشگران قادر نیستند به هیچ یک از قواعد، نقش‌ها و رهواره‌های تعریف شده رجوع کنند. به علاوه، هیچ برآورد متناظری از پاداش‌ها وجود ندارد؛ بدین معنی که در این وضعیت فوق‌العاده نه اعتماد عقلانی و نه اعتماد نهادی هیچ یک امکان پذیر نیستند.

داس و تنگ (۲۰۰۴) یک بینش از اعتماد مبتنی بر مخاطره را مطرح کرده، معتقدند یکی از سازه‌هایی که به‌طور رو به افزایشی با مفهوم پردازشی اعتماد در هم تنیده شده، مخاطره است. آنها تعاریف نوعی از اعتماد را در سه سازه^۳ اصلی جای داده اند: (۱) به عنوان یک تصور^۴ (اعتماد ذهنی)؛ (۲) به‌عنوان پیش‌زمینه‌های گوناگون اعتماد ذهنی (پیش‌زمینه‌های اعتماد) و (۳) به عنوان کنش‌هایی که از اعتماد ذهنی ناشی می‌شوند (اعتماد رفتاری). اعتماد ذهنی، به وضوح به یک حالت روان‌شناختی مربوط است که توسط فرد تجربه می‌شود. آن "یک باور، نگرش یا انتظار در خصوص احتمالی است که کنش‌ها یا برآیندهای^۶ فرد، گروه یا سازمان دیگر قابل پذیرش بوده یا منافع کنشگر را برآورده خواهد کرد". اعتماد ذهنی را می‌توان از پیش‌زمینه‌اش (پیش‌زمینه‌ی اعتمادی) و برآیندهای رفتاری‌اش (اعتماد رفتاری) متمایز کرد. اعتماد در مجموع به سه مفهوم متفاوت اشاره دارد: یک انتظار، یک برآیند رفتاری به خاطر آن انتظار و ویژگی‌های شخصی و وضعیتی که به آن

انتظار می‌انجامند. آنها هر یک از این سه نوع اعتماد متمایز را با سه نوع مخاطره‌ی متمایز، ناما تمایل مخاطره‌ای، مخاطره‌ی متصور و مخاطره کردن متناسب می‌دانند. اعتماد ذهنی هر دوی حسن نیت^۷ و صلاحیت^۸ را پوشش می‌دهد، و مخاطره‌ی متصور متشکل از مخاطره‌ی رابطه‌ای و مخاطره‌ی اجرا^۹ به طوری که اعتماد مبتنی بر حسن نیت با مخاطره‌ی رابطه‌ای و اعتماد مبتنی بر صلاحیت با مخاطره‌ی اجرا پیوند دارد.

لومان^{۱۰} نیز به بحث و بررسی رابطه‌ی اعتماد و مخاطره پرداخته است. به نظر او، در جهان پر از مخاطره، اعتماد عنصر اساسی زندگی است. اعتماد یکی از چهار رسانه‌ی ارتباطی تعمیم یافته‌ی جهان مدرن است که پیچیدگی جهان اجتماعی را تقلیل می‌دهد. اعتماد در نظم اجتماعی مدرن با اعتماد در جوامع سنتی کوچک متفاوت و بیانگر حرکت از کیهان‌شناسی^{۱۱} (خدا) به تکنولوژی (انسان) است. اعتماد بازانديشانه است، زیرا با شرایط خاصی پیوند می‌یابد که در آن افراد آگاهانه درباره‌ی مسیرهای کنش جایگزین تأمل می‌کنند. سه امکان برای تقلیل پیچیدگی وجود دارد: اول، ما می‌توانیم از نظر گرفتن تأثرات^{۱۲} تهدید کننده‌ی اعتماد امتناع کنیم (در مواقعی که ابژه‌ی اعتماد الزامی است)؛ دوم، ما می‌توانیم روابط اعتمادی را متمایز و مشخص کنیم، در وضعیتی که امکان‌هایی^{۱۳} در اختیار داریم؛ سوم، ما می‌توانیم یاد بگیریم که به چه چیزی یا چه کسی

⁷ Goodwill

⁸ Competency

⁹ Performance

¹⁰ Luhman

¹¹ Cosmology

¹² Impressions

¹³ Options

¹ Das & Teng

² Risk Based View of Trust

³ Construct

⁴ Conception

⁵ Antecedents

⁶ Outcomes

از نظام‌های تخصصی دخیل در نهادهای مدرن کاملاً دوری گزینند. در اعتماد به نظام‌های تخصصی، " طرز رفتار مجربان نظام"، "اطمینان به دانش یا مهارت‌هایی که افراد غیرمتخصص هیچ‌گونه دسترسی مؤثری به آن ندارند"، "تجارب ما از نقاط دسترسی"، و همچنین "دانش‌هایی که از طریق رسانه‌های ارتباطی به ما می‌رسند"، مهم‌اند.

گیدنز همچنین بین "مدرنیته‌ی ساده"^۲ و "مدرنیته‌ی متأخر"^۳ تمایز قائل می‌شود. در مدرنیته‌ی ساده، علم در حاله‌ای از حقیقت آیینی قرار گرفته، و اعتماد به متخصصان بیشتر خصلت اطمینان ماقبل مدرن را به خود گرفته بود؛ اما در مدرنیته‌ی متأخر، اعتماد فعالانه به دیگران و نظام‌های تخصصی، باید از سوی افراد مستقل و بازاندیش شکل بگیرد و نهادینه شود. در مدرنیته‌ی متأخر جهان "کوچکتر" است، زیرا در عصر تجارت و ارتباطات جهانی، فاصله‌گیری زمان-فضایی برای روابط اجتماعی کمتر اهمیت دارد. همچنین، از آنجا که در این عصر "تکثری از حقایق" وجود دارد، اعتماد اهمیتی حیاتی پیدا می‌کند. در این عصر، "اعتماد بیرونی شده"^۴ مهم است؛ بدین معنی که انسان‌ها به منظور عکس‌العمل نشان دادن به مخاطرات بیرونی و خود ساخته، نیازمند اطلاعات کافی هستند تا آنها را نسبت به پیامدهای احتمالی آگاه کند، یا به یک کنشگر یا نظام بیرونی اعتماد کنند تا به این موضوع‌ها رسیدگی کند (گیدنز، ۲۰۰۲).

این مطالعه نیز با یاری جستن از نظریه‌ی گیدنز و آزمون فرضیه‌های مطروحه‌ی زیر، به مطالعه‌ی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (تعمیم یافته/ و نهادی) با میزان احساس امنیت اجتماعی پرداخته است.

اعتماد کنیم، و این شامل اشخاص و نظام‌های اجتماعی هر دو می‌شود. تصمیم به اعتماد کردن به دیگری، بر "انگیزشی" مبتنی است که به رفتار دیگری اسناد داده می‌شود.

گیدنز^۱ (۱۳۷۸ و ۱۳۸۰) نیز برای بررسی اعتماد، آن را در ارتباط نزدیک با مخاطره در نظر گرفته، به مقایسه‌ی شرایط اعتمادی جهان مدرن با جهان سنتی می‌پردازد. شرایط روابط اعتماد در فرهنگ‌های دوران سنتی با همین روابط در جهان مدرن، تفاوت‌های بنیادی دارد. چهار زمینه‌ی محلی اعتماد بر فرهنگ‌های سنتی مسلط‌اند: نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، دین و سنت. این چهار زمینه‌ی اعتمادی بنیان امنیت و احساس امنیت افراد را می‌سازند. با رشد نهادهای اجتماعی مدرن، میان اعتماد و مخاطره، امنیت و خطر نوعی تعادل برقرار شده است. در دوران مدرن تأثیر سه نیروی بزرگ و پویای مدرنیته؛ یعنی جدایی زمان و مکان، مکانیسم‌های از جاکندگی و بازاندیشی نهادی، برخی از صورت‌های بنیادی روابط اعتماد را از صفات محیط‌های محلی جدا می‌سازد. اعتماد به نظام‌های انتزاعی شرط فاصله‌گیری زمانی - مکانی و حوزه‌های گسترده‌ی امنیت در زندگی روزمره است که نهادهای مدرن در مقایسه با جهان سنتی ارائه می‌کند. بر اثر توسعه‌ی نظام‌های انتزاعی، اعتماد به اصول غیر شخصی و نیز اعتماد به دیگران ناشناس، برای امنیت وجودی در شرایط مدرنیته نقشی تعیین کننده داشته، برای زندگی اجتماعی گریز ناپذیر می‌شوند. او بین اعتماد میان افراد و اعتماد به نظام‌های انتزاعی تمایز قایل می‌شود. ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی، بویژه نظام‌های تخصصی وابسته است. اهمیت این قضیه از این نظر است که، هیچ‌کسی نیست که بتواند

² Simple Modernity

³ Late Modernity

⁴ Externalized Trust

¹ Giddens

اصیل و مذهب " موجب پیدایش آداب و مقررات فرهنگی - اجتماعی خاصی در آن شده است (گرچی‌زاده، ۱۳۸۶). بنابراین، این مقاله با اتکا بر نظریه‌ی گیدنز (۱۳۷۸؛ ۱۳۸۰) که مدرنیته‌ی بیشتر به بی‌اعتمادی بیشتر، و بی‌اعتمادی به احساس ناامنی اجتماعی می‌انجامد، با روش علی-مقایسه‌ای به بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان دو شهر شیراز و یاسوج پرداخته است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، تعداد جوانان شهرهای شیراز و یاسوج به ترتیب ۴۴۰۶۸۸ و ۴۸۰۷۹ نفر بوده است که از بین آنان، با استفاده از جدول لین (۱۹۷۶)، به ترتیب، تعداد ۶۰۰ و ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه‌ی تحقیق انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری طبقه‌بندی سهمیه‌ای تصادفی بوده است. ابتدا تعداد مناطق و حجم جمعیت جوانان مربوط به هر منطقه در دو شهر مشخص گردید. سپس متناسب با تعداد جمعیت هر منطقه، میزان نمونه‌ی مربوط به هر منطقه تعیین شد. برای تعیین نخستین بلوک برای تعیین پر کردن پرسشنامه از روش تصادفی ساده استفاده شد. متغیر مستقل مقاله اعتماد اجتماعی است که در دو بعد تعمیم یافته و نهادی سنجیده شده است. اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به افرادی است که نمی‌شناسیم، مانند شهروندانی که در شهر و کشور خود با آنان هم‌شهري یا هموطن هستیم، اما هیچ شناخت دیگری از آنان نداریم. اعتماد نهادی هم اعتماد به نهادها و سازمان‌های اجتماعی و افراد حقوقی است، مانند پلیس، قضات، بیمارستان‌ها، بانک‌ها و ... اعتماد تعمیم یافته در این پژوهش از طریق چهار گویه بر اساس طیف لیکرت ارزیابی شده است. اعتماد نهادی هم بر اساس میزان اعتماد فرد به نهادهای زیر سنجیده شده است: نهادهای قانونگذار (مجلس، شورای

۱- بین میزان اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (تعمیم یافته/ نهادی) و احساس امنیت اقتصادی رابطه وجود دارد.
 ۲- بین میزان اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (تعمیم یافته/ نهادی) و احساس امنیت عمومی رابطه وجود دارد.
 ۳- بین میزان اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (تعمیم یافته/ نهادی) و احساس امنیت سیاسی رابطه وجود دارد.
 ۴- بین میزان اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (تعمیم یافته/ نهادی) و احساس امنیت قضایی رابطه وجود دارد.
 ۵- بین میزان اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (تعمیم یافته/ نهادی) و احساس امنیت اجتماعی (کل) رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

رویکرد و روش مورد استفاده در این تحقیق به ترتیب کمی و پیمایشی بوده، و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش جوانان (۱۵-۲۹) ساله‌ی ساکن شهرهای شیراز و یاسوج بوده‌اند. بر اساس نتایج مربوط به " مطالعات پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان " (۱۳۸۰) و تحقیق کرامتی (۱۳۸۵) شهر شیراز یکی از شهرهایی است که ساکنان آن از نظر اقتصادی و اجتماعی احساس ناامنی بسیار بالایی دارند^۱. همچنین شیراز، شهری است که در آن شهروندان بیشتر تحت تأثیر جهانی شدن و روند توسعه فرهنگی قرار گرفته‌اند (خواجه نوری، ۱۳۸۵). در طرف مقابل، شهر یاسوج شهری است با احساس امنیت اجتماعی بالاتر^۲، که " عشایری بودن، ارتباطات عاطفی و روابط اجتماعی دست نخورده‌ی مردم و وابستگی به سنت

^۱ براساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های پاسخ‌گویان شهر شیراز نخستین رتبه‌ی احساس ناامنی و بر اساس تحقیق کرامتی رتبه‌ی ۲۴ احساس امنیت را در بین مراکز استان‌های کشور دارد.

^۲ رتبه‌ی ۱۲ در بین مراکز استان‌های کشور (جعفری، ۱۳۸۵).

قوانین، برابری در اجرای قوانین، استقلال قضات، برخورد قاطع با متخلفان، و سرعت در رسیدگی به پرونده‌های قضایی). اعتباریابی گویه‌ها از طریق دو نوع اعتبار محتوا و سازه انجام گرفته است. قبل از انجام آزمون مقدماتی (با حجم نمونه‌ی ۷۰ نفری) گویه‌های اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در اختیار اساتید، دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و همچنین پرسشگران قرار گرفت و نظر آنان در خصوص ابهام گویه ارزیابی شد. پس از اجرای آزمون مقدماتی نیز ارزیابی و انتخاب گویه‌های نهایی پرسشنامه از طریق تکنیک تحلیل عاملی صورت گرفت.

یافته‌ها

همان‌گونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، از کل جامعه‌ی آماری ۵۵ درصد زن و ۴۵ درصد مرد و از این تعداد نیز ۶۲/۸۳ در صد متعلق به شهر شیراز و ۳۷/۱۷ در صد متعلق به شهر یاسوج هستند. البته، بیشتر بودن حجم نمونه‌ی شهر شیراز بدین خاطر است که به علت ناهمگون بودن جمعیت شهر شیراز، حجم نمونه برای جوانان این شهر با اطمینان ۹۶ درصد و ضریب خطای ۴ درصد تعیین شده است.

مصلحت)؛ نهادهای نظارت بر اجرای قانون (قوه قضائیه، شورای نگهبان)؛ نهادهای اجرایی قانون (نهاد ریاست جمهوری، و وزارتخانه‌ها)؛ نهادهای نظامی و انتظامی (سپاه، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات)؛ نهادهای ارتباط جمعی (صدا و سیما، رسانه‌های داخلی)؛ نهادهای آموزشی مدرن (مدارس و دانشگاه‌ها)؛ نهادهای دینی (حوزه‌های علمیه و روحانیون)؛ نهادهای نظارتی (سازمان نظارت بر قیمت کالاها و خدمات)؛ نهادهای حمایتی (کمیته‌ی امداد، تأمین اجتماعی و بیمه)؛ نهادهای خدماتی (بیمارستان‌ها، شهرداری و بانک‌ها). متغیر وابسته نیز میزان احساس امنیت اجتماعی است که در چهار بعد اقتصادی، سیاسی، عمومی، و قضایی سنجیده شده است. شاخص‌های تجربی ابعاد احساس امنیت عبارتند از: امنیت اقتصادی (برابری حقوق و رفع تبعیض، امنیت اشتغال و درآمد، افزایش تورم)؛ امنیت سیاسی (انتخابی بودن مسئولین، فرصت برابر برای انتخاب شدن برای سمت‌های سیاسی، آزادی بیان، هماهنگی بین مسئولان کشور و توانایی مسئولان سیاسی)؛ امنیت عمومی (انجام فعالیت‌های روزمره بدون نگرانی از سرقت، مزاحمت‌های خیابانی معتادان و ولگردان، تعرض به زنان، افزایش میزان بی بند و باری و اعتیاد در جامعه)؛ امنیت قضایی (عادلان بودن

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی و درصد جنسیت پاسخ‌گویان برحسب محل سکونت آنان

جمع		مرد		زن		جنسیت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۲/۸۳	۵۸۸	۴۶/۷	۲۷۵	۵۳/۳	۳۱۳	محل سکونت شیراز
۳۷/۱۷	۳۴۸	۴۲/۱	۱۴۷	۵۷/۹	۲۰۳	یاسوج
۱۰۰	۹۳۶	۴۵/۰	۴۲۱	۵۵/۰	۵۱۶	جمع کل

شهر مربوط به گروه سنی ۲۰ - ۲۴ سال است که به ترتیب برای شهرهای یاسوج و شیراز ۴۰/۷ و ۳۵/۹ درصد است.

بر اساس داده‌های جدول شماره ۲، از کل پاسخ‌گویان ۳۲/۲ درصد در گروه سنی ۱۵ - ۱۹ سال، ۳۷/۷ درصد بین ۲۰ - ۲۴ سال و ۲۹/۱ درصد در سن ۲۵ - ۲۹ سال قرار دارند. بالاترین گروه سنی هر دو

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی و درصد سنی پاسخ‌گویان برحسب محل سکونت آنان

کل		۲۹-۲۵		۲۴-۲۰		۱۹-۱۵		سن محل سکونت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۲/۸۳	۵۸۸	۳۰/۳	۱۷۸	۳۵/۹	۲۱۱	۳۳/۷	۱۹۸	شیراز
۳۷/۱۷	۳۴۸	۲۶/۹	۹۴	۴۰/۷	۱۴۲	۳۲/۴	۱۱۳	یاسوج
۱۰۰	۹۳۶	۲۹/۱	۲۷۲	۳۷/۷	۳۵۳	۳۳/۲	۳۱۱	جمع کل

۹۰ درصد بوده است. یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهند که، ۲۰/۵ از افراد مورد مطالعه از نظر اقتصادی؛ ۲۰/۸ از نظر عمومی؛ ۱۷/۹ از نظر سیاسی و ۱۸/۸ از نظر قضایی احساس امنیت پایینی داشته‌اند. به‌علاوه، به ترتیب، ۲۷/۶ و ۱۸/۵ از افراد، اعتماد تعمیم یافته و نهادی پایینی داشته‌اند. در سطح پایین امنیت در ابعاد مختلف، بالاترین درصد به ترتیب به احساس امنیت عمومی و اقتصادی مربوط می‌شود.

هر یک از ابعاد احساس امنیت از طریق ده گویه سنجیده شد که ضریب آلفای کرونباخ همگی این ابعاد بالاتر از ۸۰ درصد است (جدول ۲). اعتماد اجتماعی تعمیم یافته نیز از طریق چهار گویه ارزیابی شد که ضریب آلفای آن ۶۵ درصد است. اعتماد نهادی نیز از طریق میزان اعتماد به ده مورد از مهمترین نهادهایی تأثیرگذار جامعه‌ی مدرن ارزیابی شد، که ضریب آلفای این بعد از اعتماد نیز در حدود

جدول شماره ۳- توزیع درصدی میزان پاسخ‌گویان به تفکیک ابعاد مختلف

متغیرها	آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	پایین	متوسط	بالا
احساس امنیت اقتصادی	.۸۲	۱۰	۲۰/۵	۶۱/۴	۱۸/۱
احساس امنیت عمومی	.۸۱	۱۰	۲۰/۸	۶۳/۲	۱۵/۹
احساس امنیت سیاسی	.۸۵	۱۰	۱۷/۹	۶۸/۶	۱۳/۵
احساس امنیت قضایی	.۸۳	۱۰	۱۸/۸	۶۶/۸	۱۴/۴
احساس امنیت (کل)	.۹۲	۴۰	۱۷/۵	۶۶	۱۶/۵
اعتماد تعمیم یافته	.۶۵	۴	۲۷/۶	۵۵/۳	۱۷/۱
اعتماد اجتماعی نهادی	.۸۹	۱۰	۱۸/۵	۶۵/۸	۱۵/۷
اعتماد اجتماعی (کل)	.۸۶	۱۴	۱۶/۹	۶۷	۱۶/۱

و هر دو نوع اعتماد اجتماعی و کل رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که ساکنان شهر یاسوج اعتماد اجتماعی و نهادی بالاتری از ساکنان شهر شیراز دارند. مخصوصاً، این تفاوت میانگین در بعد اعتماد نهادی برجسته‌تر است.

آماره‌های جدول ۴ به رابطه‌ی محل سکونت پاسخ‌گویان با اعتماد اجتماعی آنان مربوط است. میزان اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (تعمیم یافته/ و نهادی) در دو شهر نمونه با استفاده از آزمون T ارزیابی شد. نتایج آزمون نشان می‌دهند که بین محل سکونت پاسخ‌گویان

جدول شماره ۴-آزمون رابطه‌ی میان محل سکونت و اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان

Sig	T	اشتباه استاندارد	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	محل سکونت	بعد اعتماد
.۰۱	-۲/۴۸	.۱۲	۲/۹۶	۸/۳۷	۵۸۷	شیراز	تعمیم یافته
		.۱۵	۲/۸۲	۸/۸۵	۳۴۹	یاسوج	
۰/۰۰۰	-۵/۲۵	.۳۴	۸/۴۵	۱۹/۱۵	۵۸۷	شیراز	نهادی
		.۴۲	۷/۸۶	۲۲/۱۴	۳۴۹	یاسوج	
.۰۰۰	-۵/۴۱	.۳۲	۹/۶۴	۲۷/۵۵	۵۸۷	شیراز	(کل)
		.۴۹	۹/۰۸	۳۱	۳۴۹	یاسوج	

میانگین‌ها تنها در بعد سیاسی و کل احساس امنیت اجتماعی معنادار است. به عبارتی، می‌توان گفت تفاوت آماری معناداری در میزان احساس امنیت پاسخ‌گویان (به جز بعد سیاسی و کل) برحسب شهر محل سکونت آنان وجود ندارد.

جدول ۵ بیانگر نتایج آزمون رابطه‌ی محل سکونت پاسخ‌گویان با میزان احساس امنیت اجتماعی آنان در ابعاد مختلف است. یافته‌ها نشان می‌دهند که همانند اعتماد اجتماعی، در هر چهار بعد احساس امنیت اجتماعی، ساکنان شهر یاسوج احساس امنیت بالاتری از ساکنان شهر شیراز دارند، اما این تفاوت

جدول شماره ۵-آزمون رابطه میان محل سکونت و میزان احساس امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان

Sig	T	اشتباه استاندارد	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	بعد احساس امنیت
.۲۵	-۱/۱۲	.۲۵	۶/۱۸	۲۱/۱۳	۵۸۷	شیراز
		.۳۶	۶/۷۶	۲۱/۶۳	۳۴۹	یاسوج
.۵۲	-۱/۶۴	.۲۵	۶/۲۸	۲۲/۰۲	۵۸۷	شیراز
		.۳۴	۶/۳۸	۲۲/۲۹	۳۴۹	یاسوج
.۰۰۰	-۴/۶۲	.۳۲	۷/۸۴	۲۶/۲۹	۵۸۷	شیراز
		.۴۱	۷/۷	۲۸/۷۲	۳۴۹	یاسوج
.۱۸	-۱/۳۴	.۲۸	۶/۷۹	۲۶/۱۹	۵۸۷	شیراز
		.۳۵	۶/۵۹	۲۶/۷۹	۳۴۹	یاسوج
.۰۰۲	-۳/۰۴	.۸۳	۲۰/۳۳	۹۵/۰۴	۵۸۷	شیراز
		۱/۱۴	۲۱/۳۹	۹۹/۳۱	۳۴۹	یاسوج

شیراز بوده است. پس از کنترل اعتماد نهادی، میانگین احساس امنیت قضایی پاسخ‌گویان شهر شیراز بیشتر از پاسخ‌گویان شهر یاسوج شده است؛ و تفاوت معنادار میزان احساس امنیت سیاسی و کلی پاسخ‌گویان دو شهر از بین رفته است. نتایج نشان می‌دهند احساس امنیت سیاسی و قضایی پاسخ‌گویان بیشتر متأثر از اعتماد نهادی است تا محل سکونت آنان، اما در هر سه حالت بدون کنترل (جدول ۴) و در حالت کنترل اعتماد تعمیم یافته و نهادی (جدول ۶)، احساس امنیت سیاسی پاسخ‌گویان شهر یاسوج بالاتر بوده است؛ هرچند این تفاوت در حالت کنترل اعتماد نهادی معنادار نیست.

آماره‌های جدول ۶ بیانگر تفاوت میزان احساس امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان دو شهر در ابعاد مختلف، پس از کنترل تأثیر متغیرهای همراه اعتماد تعمیم یافته و نهادی است. تنها متغیرهایی در جدول آمده‌اند که تفاوت میانگین آنها بین پاسخ‌گویان دو شهر معنادار بوده است. بعد از کنترل اعتماد تعمیم یافته، مقدار میانگین احساس امنیت کلی پاسخ‌گویان شهر شیراز بیشتر شده است، اما در بعد سیاسی میانگین احساس امنیت سیاسی پاسخ‌گویان شهر یاسوج همچنان بالاتر بوده است (مقایسه جدول ۶ با جدول ۴). می‌توان گفت اعتماد تعمیم یافته موجب افزایش احساس امنیت کلی پاسخ‌گویان شهر یاسوج نسبت به شهر

جدول شماره ۶- آزمون تحلیل کواریانس محل سکونت و احساس امنیت با متغیر همراه اعتماد تعمیم یافته و نهادی

Sig	F	مجدور میانگین	خطای استاندارد	میانگین		احساس امنیت	ابعاد اعتماد
.۰۰۰	۱۶/۲۶	۹۰۹/۲۷	.۳۱	۲۶/۴۰	شیراز	سیاسی	
				۲۸/۴۸	یاسوج		
.۰۲	۵/۲	۱۹۶۰/۷۲	.۸۲	۹۵/۴۷	شیراز	کل	تعمیم یافته
				۸۶/۵۲	یاسوج		
.۰۳	۴/۶۵	۱۳۶/۳۳	.۲۳	۲۶/۷۲	شیراز	قضایی	اعتماد نهادی
				۲۵/۹۱	یاسوج		
.۰۸	۲/۹۸	۱۰۶/۲۱	.۲۵	۲۶/۹۲	شیراز	سیاسی	
				۲۷/۶۴	یاسوج		

کل (۳۶/، اقتصادی (۳۴/، و عمومی (۳۲/، احساس امنیت دارد و توانسته، به ترتیب، ۱۳، ۱۱ و ۹ درصد از واریانس این ابعاد از احساس امنیت را تبیین نماید. در شهر یاسوج، اعتماد اجتماعی بالاترین همبستگی را با احساس امنیت اجتماعی کل (۳۶/، قضایی (۳۴/، و عمومی (۲۹/، دارد و توانسته است به ترتیب، ۱۳، ۱۱ و ۸ درصد از واریانس این ابعاد احساس امنیت

آماره‌های جدول شماره ۷ بیانگر رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و ابعاد احساس امنیت اجتماعی به تفکیک محل سکونت است. بر اساس آماره‌های جدول، اعتماد اجتماعی در هر سه وضعیت مقایسه‌ای شهر شیراز، یاسوج و در کل رابطه‌ی مثبت و معناداری با تمام ابعاد احساس امنیت اجتماعی دارد. در شهر شیراز اعتماد اجتماعی بالاترین همبستگی را با ابعاد

امنیت اجتماعی کل (۳۷)، احساس امنیت عمومی و اقتصادی (۳۱) دارد. بر اساس ضرایب بتا می‌توان گفت هر چه اعتماد افراد به سایر افراد اجتماع بیشتر باشد، احساس امنیت اجتماعی آنها (بویژه در ابعاد اقتصادی (شیراز) و قضایی (ياسوج)) افزایش می‌یابد. بر اساس سطح معناداری همبستگی و تأثیر متغیر مستقل با و بر تمام ابعاد متغیر وابسته واقعی و قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری مورد بررسی است.

اجتماعی را تبیین کند. می‌توان گفت اعتماد اجتماعی در شهر شیراز بیشترین تأثیر را بر بعد اقتصادی احساس امنیت اجتماعی دارد؛ یعنی بعدی که بیشتر از رعایت قواعد غیر رسمی توسط افراد عادی متأثر است (قواعد شهروندی). در شهر ياسوج، بر عکس، اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر بعد قضایی احساس امنیت اجتماعی؛ یعنی آن بعدی از احساس امنیت دارد که به عملکرد نهادهای رسمی مربوط است. در حالت کلی، اعتماد اجتماعی بالاترین همبستگی را با احساس

جدول ۷- آزمون رگرسیون تک متغیره‌ی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی به تفکیک محل سکونت

محل سکونت	اعتماد اجتماعی	R	Adj.R2	خطای استاندارد	B	Beta	F	Sig
شیراز	سیاسی	.۳۰	.۰۹	۷/۴۸	.۸۰	.۳۰	۵۹/۳۶	.۰۰۰
	اقتصادی	.۳۴	.۱۱	۵/۷۸	.۷۰	.۰۳۴	۷۶/۱۶	.۰۰۰
	قضایی	.۲۶	.۰۷	۶/۵۶	.۶۱	.۲۶	۴۴/۵۹	.۰۰۰
	عمومی	.۳۲	.۱۰	۵/۸۸	.۶۷	.۳۲	۶۷/۹۴	.۰۰۰
	کل	.۳۶	.۱۳	۱۸/۸۵	۲/۵۱	.۳۶	۱۸/۸۵	.۰۰۰
ياسوج	سیاسی	.۲۷	.۰۷	۷/۴۲	.۷۴	.۲۷	۲۷/۹۳	.۰۰۰
	اقتصادی	.۲۵	.۰۶	۶/۵۴	.۶۱	.۲۵	۲۴/۲	.۰۰۰
	قضایی	.۳۴	.۱۱	۶/۲	.۷۹	.۳۴	۴۶/۰۵	.۰۰۰
	عمومی	.۲۹	.۰۸	۶/۱۲	.۶۶	.۲۹	۳۲/۳۴	.۰۰۰
	کل	.۳۶	.۱۳	۱۹/۹۵	۲/۷۵	.۳۶	۱۹/۹۵	.۰۰۰
کل	سیاسی	.۳۰	.۰۹	۷/۴۸	.۸۲	.۳۰	۹۵/۶۷	.۰۰۰
	اقتصادی	.۳۱	.۱۰	۵/۹۹	.۶۸	.۳۱	۱۰۴/۶	.۰۰۰
	قضایی	.۳۰	.۰۹	۶/۳۹	.۶۹	.۳۰	۶/۳۹	.۰۰۰
	عمومی	.۳۱	.۰۹	۵/۹۹	.۶۶	.۳۱	۹۸/۸۹	.۰۰۰
	کل	.۳۷	.۱۳	۱۹/۳	۲/۶۳	.۳۷	۱۴۸/۵۶	.۰۰۰

نماید. در کل، نیز اعتماد نهادی توانسته است، به ترتیب، ۴۳، ۳۸، ۳۵، ۱۴ و ۹ درصد از واریانس ابعاد سیاسی، کل، قضایی، اقتصادی و عمومی احساس امنیت را تبیین نماید. می‌توان گفت تنها متغیری که بیشترین تأثیر را بر ابعاد سیاسی و قضایی احساس امنیت اجتماعی در شهرهای شیراز، یاسوج و در کل دارد، اعتماد نهادی است؛ متغیری که بیشتر از سایر عوامل اجتماعی مورد توجه گیدنز قرار دارد. ضرایب بتا نشان می‌دهد که در هر سه وضعیت مقایسه‌ای، هرچه افراد به نهادهای سیاسی- اجتماعی عمده و تأثیر گذار جامعه اعتماد بیشتری داشته باشند، میزان احساس امنیت اجتماعی آنها، بویژه در ابعاد سیاسی و قضایی، به نحو چشمگیری افزایش می‌یابد. بر اساس سطح معناداری این نتیجه در سطح اطمینان فراتر از ۹۹ درصد قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری مورد بررسی است.

آماره‌های جدول ۸ بیانگر رابطه‌ی اعتماد نهادی با ابعاد احساس امنیت اجتماعی به تفکیک محل سکونت است. بر اساس آماره‌های جدول، رابطه‌ی اعتماد نهادی با تمام ابعاد احساس امنیت اجتماعی در هر سه وضعیت مقایسه‌ای شهر شیراز، یاسوج و در کل مثبت و معنادار است. در شهر شیراز و یاسوج و در کل، اعتماد نهادی بالاترین همبستگی و رابطه‌ی مثبت را با ابعاد سیاسی و قضایی، و کمترین همبستگی را با ابعاد عمومی و اقتصادی احساس امنیت داشته است. در شهر شیراز، این متغیر توانسته است، به ترتیب، ۴۶، ۳۷، ۳۶، ۱۴ و ۷ درصد از واریانس احساس امنیت سیاسی، کل، قضایی، اقتصادی و عمومی افراد را تبیین نماید. در شهر یاسوج، نیز، اعتماد نهادی توانسته است، به ترتیب، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۱۵ و ۱۵ درصد از واریانس احساس امنیت کل، سیاسی، قضایی، اقتصادی و عمومی افراد را تبیین

جدول ۸- آزمون رگرسیون تک متغیره‌ی رابطه‌ی اعتماد نهادی با ابعاد احساس امنیت اجتماعی به تفکیک محل سکونت

Sig	F	Beta	B	خطای استاندارد	Adj.R2	R	اعتماد نهادی	محل سکونت
.۰۰۰	۴۹۳/۲۱	.۶۸	.۶۲	۵/۷۶	.۴۶	.۶۸	سیاسی	شیراز
.۰۰۰	۹۱/۵۳	.۳۸	.۲۷	۵/۸۸	.۱۴	.۳۷	اقتصادی	
.۰۰۰	۳۳۵/۱۸	.۶۰	.۴۸	۵/۴۲	.۳۶	.۶۰	قضایی	
.۰۰۰	۴۶/۷۵	.۲۷	.۲۰	۶/۰۵	.۰۷	.۲۷	عمومی	
.۰۰۰	۳۵۴/۶۲	.۶۱	۱/۴۷	۱۵/۹۹	.۳۷	.۶۱	کل	
.۰۰۰	۱۹۱/۲۴	.۶۰	.۵۸	۶/۱۹	.۳۵	.۶۰	سیاسی	یاسوج
.۰۰۰	۶۴/۷۶	.۴۰	.۳۳	۶/۰۹	.۱۵	.۴۰	اقتصادی	
.۰۰۰	۱۸۶/۱۵	.۵۹	.۴۹	۵/۳	.۳۴	.۵۹	قضایی	
.۰۰۰	۶۲/۳۷	.۳۹	.۳۱	۵/۸۹	.۱۵	.۳۹	عمومی	
.۰۰۰	۲۰۲	.۶۰	۱/۶۴	۱۷/۰۲	.۳۶	.۶۰	کل	
.۰۰۰	۷۰۷/۸۷	.۶۵	.۶۱	۵/۹۳	.۴۳	.۶۵	سیاسی	کل
.۰۰۰	۱۵۴/۶۵	.۳۸	.۲۸	۵/۸۸	.۱۴	.۳۸	اقتصادی	
.۰۰۰	۵۱۵/۶۱	.۵۹	.۴۸	۵/۳۹	.۳۵	.۵۹	قضایی	
.۰۰۰	۱۰۱/۵۵	.۳۱	.۲۳	۶	.۰۹	.۳۱	عمومی	
.۰۰۰	۵۶۸/۶	.۶۱	۱/۵۲	۱۶/۳۸	.۳۸	.۶۱	کل	

۲ و ۳ درصد در یاسوج). بنابراین احساس امنیت سیاسی و قضایی بیشترین تأثیرپذیری را از چگونگی تصور مردم نسبت به عملکرد نهادهای رسمی و دولتی‌ای دارند که بر وضعیت مردم در حوزه‌های مختلف زندگی تأثیر اساسی دارند (نهادهای خدماتی تا قانونگذار و ...)، اما احساس امنیت عمومی و اقتصادی هر چند تحت تأثیر عملکرد نهادهای دولتی قرار دارند؛ به همان اندازه نیز از رعایت اصول شهروندی و قواعد و مقررات غیررسمی از سوی شهروندان متأثر هستند؛ آنچه گیدنز پابندی به قواعد "مدنیت" می‌نامد.

آماره‌های جدول ۹ بیانگر نتایج تحلیل رگرسیون دو متغیره‌ی ابعاد اعتماد با ابعاد احساس امنیت به تفکیک محل سکونت است. بر اساس جدول، در هر سه وضعیت مقایسه‌ای و در همه‌ی ابعاد احساس امنیت، متغیر اعتماد نهادی سهم بیشتری در تبیین واریانس متغیر وابسته دارد، اما در هر سه وضعیت مقایسه‌ای و در تمام ابعاد احساس امنیت، متغیر اعتماد تعمیم یافته از معادله‌ی رگرسیون حذف نشده است که بیانگر تأثیر این متغیر در افزایش احساس امنیت اجتماعی است. در هر دو شهر شیراز و یاسوج، اعتماد نهادی بیشترین تأثیر را بر ابعاد سیاسی و قضایی احساس امنیت داشته و توانسته است به تنهایی، به ترتیب، ۴۲ و ۳۵ درصد از واریانس احساس امنیت سیاسی و ۳۴ و ۳۲ درصد از واریانس احساس امنیت قضایی پاسخ‌گویان دو شهر را تبیین نماید. در هر دو شهر اعتماد نهادی کمترین تأثیر را بر ابعاد عمومی ($R^2=0.09$) و اقتصادی ($R^2=0.13$) (شهر شیراز)؛ و ابعاد اقتصادی ($R^2=0.12$) و عمومی ($R^2=0.15$) (شهر یاسوج) دارد. نکته‌ی مهم تفاوت تأثیر دو بعد متفاوت اعتماد بر ابعاد متفاوت احساس امنیت است. براساس مقایسه‌ی ضرایب بتای ابعاد متفاوت اعتماد برای ابعاد مختلف احساس امنیت می‌توان به تأثیر متفاوت اعتماد نهادی و تعمیم یافته بر ابعاد متفاوت امنیت پی برد. برای مثال، متغیر اعتماد تعمیم یافته توانسته است مقدار ضریب تعیین اعتماد نهادی برای بعد سیاسی احساس امنیت را به مقداری ناچیز (۱ درصد برای شیراز و یاسوج) در مقایسه با ابعاد عمومی و اقتصادی احساس امنیت افزایش دهد (۶ و ۴ درصد در شیراز، و

جدول ۹- آزمون رگرسیون چند متغیره‌ی به شیوه‌ی گام به گام ابعاد اعتماد اجتماعی و ابعاد احساس امنیت

شهر محل سکونت	ابعاد امنیت	متغیرهای مستقل	R	Adj.R2	خطای استاندارد	B	Beta	T	Sig	
کل	سیاسی	نهادی	.۶۵	.۴۲	۵/۹۶	.۵۸	.۶۱	۲۴/۲۵	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۶۶	.۴۴	۵/۸۹	.۳۴	.۱۲	۴/۹۸	.۰۰۰	
	اقتصادی	نهادی	.۳۶	.۱۲	۵/۹۸	.۲۲	.۲۹	۹/۶۲	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۴۲	.۱۷	۵/۸۲	.۴۸	.۲۲	۷/۱۲	.۰۰۰	
	قضایی	نهادی	.۵۸	.۳۴	۵/۴۳	.۴۴	.۵۴	۲۰/۲۲	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۶۰	.۳۶	۵/۳۶	.۳۲	.۱۴	۵/۱۹	.۰۰۰	
	عمومی	نهادی	.۳۱	.۰۹	۶/۰۰	.۱۸	.۲۴	۷/۸۴	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۳۸	.۱۴	۵/۸۳	.۵۱	.۲۳	۷/۵۲	.۰۰۰	
	کل	نهادی	.۶۱	.۳۷	۱۴/۴۷	۱/۳۷	.۵۵	۲۱/۲۰	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۶۴	.۴۱	۱۵/۹۴	۱/۴۸	.۲۰	۸/۰۰	.۰۰۰	
شیراز	سیاسی	انتزاعی	.۶۷	.۴۵	۵/۸۱	.۵۹	.۶۳	۲۰/۳۰	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۶۸	.۴۶	۵/۷۳	.۳۵	.۱۳	۴/۳۳	.۰۰۰	
	اقتصادی	نهادی	.۳۶	.۱۳	۵/۷۵	.۲۲	.۳۰	۷/۸۱	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۴۴	.۱۹	۵/۵۶	.۲۵	.۲۵	۶/۵۹	.۰۰۰	
	قضایی	نهادی	.۶۰	.۳۶	۵/۴۲	.۴۶	.۵۷	۱۶/۹۲	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۶۱	.۳۷	۵/۳۷	.۲۶	.۱۱	۳/۳۸	.۰۰۰	
	عمومی	نهادی	.۳۱	.۰۹	۵/۹۷	.۵۴	.۲۵	۱۶/۲۰	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۳۶	.۱۳	۵/۸۵	.۱۵	.۲۰	۷/۸۹	.۰۰۰	
	یاسوج	سیاسی	نهادی	.۵۹	.۳۵	۶/۱۹	.۵۵	.۵۶	۱۲/۶۳	.۰۰۰
			تعمیم یافته	.۶۰	.۳۶	۶/۲۵	.۳۰	.۱۱	۲/۵۰	.۰۱۳
اقتصادی		نهادی	.۳۴	.۱۲	۶/۳۴	.۲۵	.۲۹	۵/۷۸	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۳۸	.۱۴	۶/۲۶	.۴۰	.۱۷	۳/۲۷	.۰۰۰	
قضایی		نهادی	.۵۶	.۳۲	۵/۴۳	.۴۲	.۵۱	۱۱/۳۷	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۵۹	.۳۵	۵/۲۹	.۴۵	.۱۹	۴/۳۶	.۰۰۰	
عمومی		نهادی	.۳۹	.۱۵	۵/۸۹	.۴۴	.۳۳	۶/۶۱	.۰۰۰	
		تعمیم یافته	.۴۳	.۱۸	۵/۷۷	.۲۷	.۱۹	۳/۸۸	.۰۰۰	

بحث و نتیجه‌گیری

همچنانکه جوامع پیچیده‌تر، تمایز یافته‌تر و به هم وابسته‌تر می‌شوند، افراد با روند رو به افزایشی با وضعیت متناقض‌نمایی مواجه می‌شوند. از طرفی، این تحولات دامنه‌ی انتخاب‌های زندگی را گسترش می‌دهند؛ انتخاب‌هایی که به کارآیی، تکثر و تحرک بیشتر می‌انجامد. از طرف دیگر، به هم وابستگی‌های روزافزون، آسیب‌پذیری‌های افراد را افزایش و متقابلاً امکانات افراد برای دستکاری و کنترل این آسیب‌پذیری‌ها را کاهش می‌دهد. بنابراین، شکاف بین منابع شناختی افراد و توانایی آنها برای شناسایی و قضاوت درباره‌ی حوادثی که زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، غیر قابل پیوند به نظر می‌رسد. در نتیجه افراد در اکثر مواقع پل زدن این شکاف را نه از طریق شناسایی آسیب‌پذیری‌هایشان، بلکه از طریق اعتماد به دیگران، نهادها و نظام‌ها انجام می‌دهند و اعتماد از طریق تقلیل پیچیدگی نظام یک درک امنیتی برای افراد فراهم می‌کند. از این رو به نظر بسیاری از محققان، اعتماد تنها در وضعیت‌هایی الزامی است که به موجب مخاطره مشخص می‌شوند. مخاطره در زمینه‌هایی کاربرد پذیراست که احتمال و برجستگی نتایج نامطلوب با هم ترکیب می‌شوند و اعتماد نیز در جایی نیاز است که چیزهایی در معرض خطر باشند و امکان پیامدهای نامطلوب وجود داشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۸؛ لومان، ۱۹۷۹). در نتیجه‌ی وضعیت‌های وابستگی، و برجسته شدن نتایج نامطلوب، و "فرهنگ مخاطره‌ای"، اعتماد و امنیت به موضوع‌هایی مهم و اساسی تبدیل می‌شوند، زیرا فرض بر این است که "احساس اعتماد پذیری اشخاص و چیزها که برای مفهوم اعتماد بسیار مهم است، برای احساس امنیت وجودی نیز اهمیت بنیادی دارد؛ برای همین است که

این دو احساس از جهت روان‌شناختی پیوند نزدیکی با هم دارند." (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

بر این اساس، این مقاله به بررسی رابطه‌ی اعتماد با احساس امنیت اجتماعی جوانان ساکن شهرهای شیراز و یاسوج پرداخته و اعتماد افراد در دو بعد نهادی و تعمیم‌یافته؛ و احساس امنیت اجتماعی آنان در چهار بعد اقتصادی، سیاسی، عمومی و قضایی بررسی شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایش؛ و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. در ابتدا تأثیر زمینه‌ی اجتماعی- فرهنگی، و سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی دو شهر بر میزان اعتماد و احساس امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان بررسی و تحلیل شد. بر اساس یافته‌ها، پاسخ‌گویان شهر یاسوج، اعتماد و احساس امنیت اجتماعی بیشتری (در همه‌ی ابعاد هر دو متغیر) از ساکنان شهر شیراز داشتند. این تفاوت‌ها در هر دو بعد اعتماد و همچنین در بعد سیاسی و کلی احساس امنیت معنادار بودند. سپس برای ارزیابی دقیق‌تر این تفاوت از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد تفاوت میزان احساس امنیت اجتماعی بین پاسخ‌گویان دو شهر بیشتر به میزان متفاوت اعتماد نهادی و اجتماعی آنها مربوط می‌شود تا محل سکونت آنان. این یافته با نظریه‌ی گیدنز همخوانی دارد که، هر چه ما از جوامع سنتی و جوامع مدرن به سمت جوامع مدرن متأخر حرکت می‌کنیم، میزان مخاطره و بی‌اعتمادی به نهادهای مدرن افزایش می‌یابد و این به نوبه‌ی خود به احساس ناامنی افراد می‌انجامد (گیدنز، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰). بنابراین، شیراز به عنوان شهری که به نسبت یاسوج، توسعه یافته‌تر است؛ و بیشتر در معرض نوگرایی‌های فرهنگی و بازاندیشی قرار گرفته است (خواججه‌نوری، ۱۳۸۵)؛ از میزان بالاتری از بی‌اعتمادی و احساس

تصوراتی در مورد صداقت و درستی یکدیگر دارند که سرشار از نشانه‌های اعتمادزدا (مانند بالابودن نرخ دزدی، جرایم، قتل، اعتیاد، پارتی بازی، رشوه)؛ یا نشانه‌های اعتمادزدا (راستگویی، پایبندی به قواعد رسمی و غیر رسمی، مجازات مجرمان، پاسخ‌گویی مسؤولان و ..) است. همچنین این نشانه‌ها تصوراتی را در خصوص توانایی و انگیزش معتمدان (افراد یا نهاد) برای اعتماد کنندگان ایجاد می‌کنند. دو عامل مهم دیگر در قاعده‌ی بازی اعتماد، زمان و فضاست، زیرا در صورت جدایی دو طرف این معادله از یکدیگر، تعاملاتشان با واسطه خواهد بود (رسانه‌ها، تلفن، اینترنت و ..)؛ و نقش این رسانه‌ها و تصورات مردم از آنها، در این بازی دو چندان می‌شود (غنا‌ی رسانه‌ای، شفافیت اطلاعات، پوشش رسانه‌ای مناسب، سانسور رسانه‌ای). علاوه بر جدایی فضایی، مدت زمان واکنش، و عکس‌العمل طرف معتمد معادله‌ی بازی اعتماد، هم مهم است (محور زمانی قاعده). برای مثال، فرایند طولانی شدن آیین دادرسی یا مجازات نقض‌کنندگان قاعده‌ی بازی، می‌تواند موجب بی‌اطمینانی اعتمادکننده به معتمد شود (گیدنز، ۱۳۸۰). بنابراین، بر اساس استعاره‌ی بازی، اگر قواعد و ارزش‌های رایج غیر رسمی و رسمی رایج در جامعه از طرف بازیگران (فردی و نهادی) رعایت شده، یا در صورت نقض این قواعد، عکس‌العمل سریع سازمان‌های رسمی و غیر رسمی کنترل‌کننده، موجب رضایت ناظران و اعاده‌ی حقوق یا حیثیت افراد زیان دیده شود، یک جو اعتمادی در جامعه و فضای زندگی به وجود می‌آید که این به نوبه‌ی خود موجب احساس امنیت اجتماعی شهروندان می‌شود. برعکس، اگر این قواعد بازی پیوسته از سوی بازیگران، مخصوصاً معتمدان صاحب قدرت (فرد یا نهاد)، نقض شوند؛ و این نقض، با عکس‌العمل جدی عوامل کنترل

ناامنی برخوردار است. همچنین، می‌توان گفت در شیراز، به عنوان یک کلانشهر، مردم در روابط روزمره‌ی خود بیشتر با "رقم بزهکاری سیاه" رو به رو هستند. رقم بزهکاری سیاه، آن دسته از جرایمی هستند که کشف نشده‌اند و مجرمان آن شناسایی نمی‌شوند. این جرایم یا مشاهده نمی‌شوند، مثل تخلفات رانندگی، یا بسیار کم اهمیت‌اند، مثل دله دزدی‌ها و یا اینکه توأم با رضایت‌اند، مثل جرایم جنسی با رضایت طرفین. بنابراین، احساس عدم امنیت می‌تواند ناشی از جرایمی غیر از جرایم خشونت‌آمیز باشد، این موضوع بویژه در مورد جرایم بدون بزه‌دیده صادق است (رهامی و حیدری، ۱۳۸۳).

ارزیابی تأثیر اعتماد و ابعاد آن بر ابعاد احساس امنیت اجتماعی نشان داد که اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی هر دو موجب افزایش میزان احساس امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان می‌شود؛ اما تأثیر ابعاد اعتماد بر همه‌ی ابعاد احساس امنیت یکسان نیست. تأثیر اعتماد نهادی بر احساس امنیت سیاسی تقریباً پنج برابر تأثیر اعتماد تعمیم یافته است؛ اما، در مقابل، تأثیر آن بر میزان احساس امنیت عمومی به همان اندازه‌ی اعتماد تعمیم یافته است. این یافته نشان می‌دهد که امنیت مفهومی چند بعدی است و همه‌ی ابعاد آن تحت تأثیر متغیرها و عوامل یکسانی قرار ندارند. برای تحلیل دقیق‌تر رابطه‌ی اعتماد و احساس امنیت اجتماعی، می‌توان از استعاره‌ی "بازی اعتماد"^۱ کمک گرفت. در بازی اعتماد چندین عنصر اصلی وجود دارد: اعتمادکننده، معتمد، نشانه‌های اعتمادزدا یا اعتمادزدا، قاعده، فضا و زمان. در رابطه‌ی اعتمادی حداقل دو کنشگر وجود دارند: اعتمادکننده و معتمد. معتمد می‌تواند یک شخص، نهاد یا نظام باشد. این دو کنشگر در یک فضای اعتمادی با هم تعامل دارند، یا

^۱Trust game

و همچنین نظارت صحیح بر عملکرد خود این نهادها و مجریان آنها می‌تواند موجب افزایش اعتماد نهادی و در نتیجه، احساس امنیت اجتماعی شود. به‌علاوه نظارت نهادهای رسمی بر نهادهای غیر رسمی و نیمه‌رسمی (مانند نهادهای اقتصادی و بویژه بازار، بیمارستان...) و قاطع بودن آنان در برخورد با نقض‌کنندگان قواعد در این حوزه‌ها، می‌تواند هزینه‌ی نادیده گرفتن قواعد غیررسمی و رسمی در جامعه را افزایش داده، به صورت غیر مستقیم به افزایش احساس امنیت بینجامد.

۴- نهادهای جامعه‌پذیرکننده‌ی جامعه (خانواده، مدارس، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه...) نیز می‌توانند با برجسته نشان دادن ملزومات زندگی شهری و پایبندی به قواعد شهرنشینی (نه‌شهرگرایی) زمینه‌ی احترام و رعایت قواعد غیررسمی را در جامعه فراهم کنند، زیرا پایبندی به قواعد زمینه‌ی افزایش اعتماد نهادی را فراهم می‌کند و اعتماد نهادی می‌تواند به احساس امنیت اجتماعی بینجامد.

منابع

- ۱- احمدی، حبیب؛ مرادی، گلرمداد و آذرگون، زهره. (۱۳۸۶). "بررسی رابطه‌ی مشارکت مردمی و احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهر اسلام آباد غرب)"، فصلنامه‌ی توسعه انسانی، دوره‌ی اول، ش ۴، تابستان صص ۹۱-۱۱۰.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۳). "بحران اجتماعی و روشنفکران ایرانی"، فرهنگ اندیشه، سال سوم، ش ۱۰، صص ۱۳۱-۱۵۲.
- ۳- آزاد ارمکی، تقی و کمالی، افسانه. (۱۳۸۳). "اعتماد اجتماعی و جنسیت: بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس." مجله‌ی جامعه‌شناسی

کننده‌ی رسمی یا غیر رسمی مواجه نباشد، یا زمان عکس‌العمل به افراد یا سازمان‌های خاطی به درازا بینجامد، یک جو بی‌اعتمادی در جامعه رواج می‌یابد که این به نوبه‌ی خود باعث عدم قاعده‌مندی زندگی اجتماعی، رواج بی‌بند و باری، بی‌قانونی و در نتیجه، احساس ناامنی اجتماعی می‌شود.

پیشنهاد‌های تحقیق

۱- در حوزه‌ی نظری، انتخاب نظریه‌های مربوط به احساس امنیت به عنوان چارچوب نظری باید با توجه به آن بعدی از احساس امنیت صورت گیرد که در نظر محقق برجستگی خاصی دارد، زیرا چند بعدی بودن احساس امنیت مانع از آن می‌شود که چارچوب نظری واحدی بتواند برای تبیین همه‌ی ابعاد احساس امنیت اجتماعی استفاده شود. نتایج تحقیق بیانگر این هستند که تئوری اعتماد نهادی برای بررسی ابعاد سیاسی و قضایی و تئوری‌های اعتماد تعمیم یافته برای بررسی ابعاد عمومی و اقتصادی احساس امنیت مناسبتر هستند.

۲- درحوزه‌ی تحقیقات تجربی پیشنهاد می‌شود که اعتماد به صورتی دقیقتر با ابعادی بیشتر بررسی شود؛ مثلاً برای بررسی اعتماد تعمیم یافته ابعاد احساسی، شناختی و رفتاری اعتماد ارزیابی شود و در بعد اعتماد نهادی نیز میزان توانایی، پاسخ‌گویی، صلاحیت و شفافیت نهادها و مجریان نهادها بررسی شود.

۳- در عرصه‌ی اجتماعی نیز پیشنهاد هر محقق متأثر از چارچوب نظری و زاویه‌ای است که به موضوع نگاه می‌کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که هر چند اعتماد نهادی تأثیرگذارترین متغیر در عرصه‌ی سیاسی احساس امنیت است؛ اما احساس امنیت در سایر عرصه‌ها نیز تا حد زیادی متأثر از آن است. بنابراین رفتار، کردار و پاسخ‌گویی مجریان سازمان‌ها و نهادها

- مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم، صص ۱۷-۳۳.
- ۱۴- خواجه‌نوری، بیژن. (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی زنان، پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه‌شناسی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۱۵- خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۸۴). "بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی"، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد اول، صص ۲۵۷-۲۹۳.
- ۱۶- دلاور، علی و رضایی، علی محمد. (۱۳۸۶). "بررسی مقایسه‌ای احساس امنیت در تهران بزرگ، یزد و کل کشور"، امنیت، سال پنجم، ش ۴، تابستان، صص ۱۵۳-۱۸۶.
- ۱۷- ربانی خوراسگانی، علی و قاسمی، وحید، ۱۳۸۱، "نگرش مردم شهر اصفهان در مورد آسیب‌های نظام اجتماعی ایران با تأکید بر تحلیل آسیب دین‌گریزی در جامعه"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، صص ۱۴۸-۱۶۵.
- ۱۸- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). "آنومی یا آشفتگی اجتماعی؛ پژوهشی در زمینه‌ی پتانسیل آنومی در شهر تهران"، تهران: سروش.
- ۱۹- رهامی، محسن و حیدری، علی مراد. (۱۳۸۳). "شناخت جرایم بدون بزه دیده"، مجلات با موضوعات گوناگون علوم انسانی، مدرس علوم انسانی، زمستان، ویژه‌نامه‌ی حقوق، ش ۳۷، صص ۷۳-۱۰۴.
- ۲۰- زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶). اعتماد؛ نظریه‌ی جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری، تهران: نشر نی.
- ۲۱- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۰). "فسایش سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای آن"، نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۳، صص ۱۰۱-۱۱۲.
- ایران، دوره‌ی پنجم، ش ۲، تابستان، صص ۱۰۰-۱۳۲.
- ۴- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲). "پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، یافته‌های پیمایش در ۲۸ مرکز استان کشور"، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵- افروغ، عماد. (۱۳۸۱). "جامعه‌شناسی امنیت؛ مؤلفه‌ها و ریشه‌های تاریخی"، راهبرد، ش ۲۶، زمستان، صص ۲۴۰-۲۶۳.
- ۶- باومر، فرانکلین-فان. (۱۳۸۵). "جریان‌های اصلی اندیشه‌ی غربی"، جلد دوم، ترجمه‌ی کامبیز گوتن، تهران: حکمت.
- ۷- بیات، بهرام. (۱۳۸۸). "جامعه‌شناسی احساس امنیت"، تهران: امیرکبیر. صص ۲۴۰-۲۶۳.
- ۸- امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۰). "اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن"، نمایه‌ی پژوهش، سال پنجم، ش ۱۸، صص ۱۰-۴۲.
- ۹- تاجیک، محمد رض. (۱۳۷۰). جامعه‌ی امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی.
- ۱۰- تقی‌لو، فرامرز. (۱۳۸۵). "بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره دوم، تابستان، شماره‌ی مسلسل ۳۲، صص ۲۳۹-۲۵۷.
- ۱۱- تونکیس، فران. (۱۳۸۷). اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۲- چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۱۳- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۴). "چارچوب روش‌شناسی برای بررسی احساس امنیت"، فصلنامه‌ی

احساس امنیت (مطالعه‌ی موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت) " فصلنامه‌ی دانش انتظامی، تابستان، صص ۲۶-۳۹.

۳۱- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیت،

ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: مرکز.

۳۲- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نی.

۳۳- گیدنز، آنتونی؛ پیرسون، کریستوفر. (۱۳۸۰).

"معنای مدرنیت"، گفت و گو با آنتونی گیدنز، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: کویر.

۳۴- لیوتار، ژان-فرانسوا. (۱۳۸۱). "وضعیت پست مدرن"، ترجمه‌ی حسینعلی نوزری، تهران: گام نو، چاپ سوم.

۳۵- معیدفر، سعید و جهانگیری، پرویز. (۱۳۸۸).

"اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، مطالعه‌ی موردی: شهر ارومیه"، دانشنامه‌ی علوم اجتماعی، دوره‌ی ۱، ش ۱، بهار، صص ۴۷-۶۷.

۳۶- منصوریان، محمدکریم و قدرتی، حسین. (۱۳۸۸). "اعتماد اجتماعی و تعیین کننده‌های آن:

رهیافت نهاد محور یا رهیافت جامعه محور (مطالعه‌ی موردی شهر سبزوار)"، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، ۳۴، ش ۲، تابستان، صص ۱۸۹-۲۱۵.

۳۷- نصیری، قدیر. (۱۳۸۱). "امنیت پایدار، سرمایه‌ی اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی، معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت"، راهبرد، ش ۲۶، زمستان، صص ۱۱۲-۱۳۳.

۳۸- همایون مصباح، حسین. (۱۳۸۴). "امنیت روانی، اقتصادی و اجتماعی، اندیشه، سال یازدهم،

شماره پنجم، آذر و دی ماه، صص ۸۷-۱۱۰.

۲۲- عباس زاده، محمد. (۱۳۸۳). "عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال چهارم، ش ۱۵، زمستان، صص ۲۶۷-۲۹۱.

۲۳- عبدالرحمنی، رضا. (۱۳۸۷). "جایگاه پلیس اجتماع محور در تغییر الگوهای رفتار اجتماعی با هدف افزایش امنیت و احساس امنیت"، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره چهار جدید، بهار ۱۳، صص ۱۱-۳۰.

۲۴- علیخواه، فردین و نجیبی ربیعی، مریم. (۱۳۸۴). "زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری"، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، ش ۲۲، صص ۱۰۹-۱۳۱.

۲۵- عمید، حسن. (۱۳۷۹)، فرهنگ عمید، جلد اول، تهران: امیر کبیر، چاپ شانزدهم.

۲۶- کرامتی، مهدی. (۱۳۸۴). "بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه‌نشینان تهران بزرگ"، فصلنامه‌ی مطالعات امنیتی، شماره دوم و سوم، تابستان و پاییز، صص ۲۸۷-۳۰۴.

۲۷- کرامتی، مهدی. (۱۳۸۵). "بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان کشور (پیمایش دوم)"، فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره ششم و هفتم، صص ۱۴۹-۱۷۶.

۲۸- کلاهیچیان، محمود. (۱۳۸۴). "راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی"، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش امنیت اجتماعی، ج ۱، تهران: معاونت اجتماعی ناجا، صص ۱۳۳-۱۶۸.

۲۹- گرجی زاده، اسدالله. (۱۳۸۶). کمترین میزان زندانیان زن را در کشور داریم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۲/۹/۱۳۸۶.

۳۰- گروسی، سعیده؛ میرزایی، جلال و شاه‌رخ، احسان. (۱۳۸۶). "بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و

- the Degree of Doctor of Philosophy, Lynn University.
- 52- Lang, John T. & Hallman, William K.(2005).” Who Does the Public Trust? The Case of Genetically Modified Food in the United States.”, *Risk Analysis*, Vol.25, No.5,Pp: 1241-1252.
- 53- Line, N, (1976) *Foundation of Social Research*, New York: McGraw Hill.
- 54- Luhmann, Nikolas (1979). *Risk: A Sociological Theory*. USA: New York.
- 55- Mollering, Guido(2011). " Rational, Institutional and Active Trust: Trust Do It?". <http://Scp.Sagepub.com/cgi/content/ref/55/1/9>.
- 56- Ross, Lauren M.(2007). “The Internal Costs of Foreclosure: A Qualitative Study Exploring Issues of Trust, Insecurity, and Self in the Face of of Foreclosure.”, A Thesis Submitted for the Degree of Master of Arts. U SA: Georg Woshington University.
- 57- Safari Shali, Reza (2007). “Investigation of Life Satisfaction and Effective Factors Affecting on It among Citizens of Iran.” Pp: 1- 7.
- 58- Sha, Wei (2005). “Beyond Cognition: The Influence of Affective Trust and Affective Risk on Consumer Participation in Electronic Commerce.” , A Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, University of Arkansas.
- 59- Simmel, G. (1950). *The Sociology of George Simmel*. Translated by, K.H.Wolff. London: Free Press of Glencoe.
- 60-Taylor- Gooby, Peter, Zinn, Jens O. (2006). “Current Directions in Risk Research: New Developments in Psychology and Sociology.” *Risk Analysis*, 26(2): 397-411.
- 61- Thomas, Caroline (2007). "Globalization and Human Security." In: *Globalization, Development and Human Security*. Edited by, Anthony McGrew & Nana K. Poku. London: polity. Pp: 107- 32.
- 62- Vornanen, Riitta & Torronen, Maritta and Niemela, Pauli(2009)“Insecurity of young people: The meaning of insecurity as defined by 13-17- year – old Finns”, *Yong*, Vol17 (4): 399- 419
- 39- Althaus, Catherine E.(2005) “A Disciplinary Perspective on the Epistemological Status of Risk." *Risk Analysis* 25(3): 567-88.
- 40- Bateson, Mary Catherine (1998).” Trust and Security: Whole Earth.”, *Academic Research Library*, fall; 94;Pp: 14- 15.
- 41- Beck, U. (2007). *Risk society: Towards a New Medernity*. London: Sage, seventh reprinted.
- 42- Das, T.K. & Teng, Bing –Sheng (2004). “The Risk Based View of Trust: A Conceptual Framework.” *Journal of Business and Psychology*, Vol.19, No.1, Fall, Pp: 85- 116.
- 43- Davis, Kingsley (1966) “A Sociological View”, In: *Man’s Quest for Security*, Edited by, Edwin J. Faulkner, USA: Lincoln.
- 44- Galbraith, J.K. (1997). *The Age of Uncertainty*. Cambridge: polity Press.
- 45- Gerber, Monica M. and Helmut Hirtenlehner & Jonathan Jackson (2010)."
- 46- Giddens, Anthony (2002),” Living in a Post- Traditional Society”, in: *Reflexive Modernization*, Ulrich Beck& Anthony Giddens and Scott Lash, Fifth Print, USA: Black Well.
- 47- Hamalainen, Juha (2004/ 2005), " Social Insecurity and Social Exclusion: Old and New Challenges for Social Policy and Social Work", *Journal of Social*, Journal Issue 10, February, Pp: 3- 15.
- 48- Helne, Tuula (2010). “Seeking Safety in Worlds, (Eco) Social Security in The World Risk Society.” <http://esc.Cluboframe.org/perspective/>.
- 49- Jackson, Jonathan (2006) "Introducing Fear of Crime to Risk Research." *Risk Analysis*. Vol. 26, No.1, Pp.253- 64.
- 50- Kilburn, John C. (1996). “Security and Rational Choice: Household, Community, and Public Provision”. A Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy. Louisiana: Louisiana University.
- 51- King, Suzanne (2009). “Teacher’s Reactions to Gangs and School Violence and The Mediating Effects of Security Measures on Intention to leave Teaching.” Dissertation for